

دلایل و زمینه‌های تنه‌زیستی زنان تهرانی: خانه‌ای از آن خود

فاطمه فلاح مین‌باشی،* عباس کاظمی،** فرح ترکمان،***

کدارکید: ۲۸۳۸-۴۶۴۹-۰۰۰۲-۰۰۰۰

کدارکید: ۳۳۹۱-۵۰۳۲-۰۰۰۱-۰۰۰۰

کدارکید: ۹۰۶۳-۶۱۲۱-۰۰۰۲-۰۰۰۰

DOR:<http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.22.3>

چکیده

در گذشته، تنه‌زیستی به ندرت، انتخاب افراد برای زندگی‌شان بود و اکثر کسانی که تنها زندگی می‌کردند سالمندان و یا جوانانی بودند که به دلیل شرایطی ناخواسته مجبور به زندگی انفرادی شده‌اند. در حالی که پژوهش‌ها و آمارها، خبر از افزایش قابل توجه تعداد خانوارهای یک نفره در سنین جوانی و میانسالی دارد که به اختیار و آزادانه این سبک زندگی را انتخاب کرده‌اند. این پژوهش به دنبال فهم دلایل و زمینه‌های انتخاب تنه‌زیستی دختران هرگز ازدواج نکرده شهر تهران است. به همین منظور با رویکرد پدیدارشناختی، اطلاعات ۱۳ زن هرگز ازدواج نکرده بالای ۴۰ سال ساکن شهر تهران که به صورت اختیاری زندگی یکنفره (تنه‌زیستی) را برگزیده‌اند گردآوری شده است. این تعداد نمونه به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با آنها مصاحبه عمیق شده است. یافته‌ها نشان داده است که عوامل متعددی چون تحصیلات، اشتغال و مهاجرت تسهیل‌کننده تنه‌زیستی است اما اغلب این عوامل بر مدار خانواده می‌گردد. از سویی دیگر این دختران دلایلی چون کسب مهارت و خودساختگی، رها شدن از قواعد و چارچوب‌های خانواده و احساس آسودگی و راحت بودن را بیان کرده‌اند که در مجموع به نظر می‌رسد که تنها زیستی فرصتی جدید برای متفاوت بودن و داشتن خانه‌ای از آن خود برای آنها فراهم ساخته است، به گونه‌ای که در برابر مجرد ماندن کمتر به پرسش کشیده شود و در عین حال موقعیت‌های جدیدی برای زیستن آنان فراهم سازد. نتایج دلالت بر آن دارد که نقش خانواده در انتخاب تنه‌زیستی متفاوت و دوگانه بوده است. شرایط خانوادگی و فضای فرهنگی حاکم بر آن گاهی در تضاد و مخالفت با مستقل شدن دختران مجرد و در برخی مواقع نیز حمایت‌گرانه و زمینه‌ساز بوده است. اما آنچه برای زنان تنه‌زیست اهمیت داشته، حفظ ارتباط و صمیمیت با خانواده در بعد از زمان ترک خانواده بوده است.

کلید واژگان: تنه‌زیستی، انتخاب، مجرد، آسودگی، خانواده.

* گروه مسائل اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران - ایران.

p.fallah1361@gmail.com

** گروه مسائل اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران - ایران، (نویسنده مسئول)

av3kazemi@gmail.com

*** گروه مسائل اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران - ایران.

fa.torkaman@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۷

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۶۷-۲۸۹

۱. مقدمه و بیان مسئله

در گذشته، تنه‌زیستی غالباً امری نسبتاً اجباری بوده است و فرد به دلایلی ناخواسته؛ همچون از دست دادن خویشان و نزدیکان، طلاق و یا مهاجرت خود و یا سایر اعضای خانواده ناچار به تنه‌زیستی می‌شد. اما در دنیای امروز علاوه بر تنه‌زیستی ناخواسته، گروهی از افراد به صورت خودخواسته این سبک از زندگی را انتخاب می‌کنند. آمار خانوارهای تک نفره، به نسبت کل خانوارهای کشور در سال ۸۵، ۵/۲ درصد بوده که این عدد در سال ۹۵ به ۸/۵ درصد رسیده، این در حالی است که ۶۶/۴ درصد از کل خانوارهای تک نفره زن سرپرست هستند. در سال ۸۵ بیش از ۸۸۰ هزار خانوار تک نفره در کشور مورد شمارش قرار گرفته بود که این رقم در سال ۱۳۹۵ به بیش از دو میلیون نفر رسیده است. از این تعداد بیش از ۶۸ هزار خانوار مرد سرپرست و بیش از یک میلیون و ۳۵۰ هزار خانوار زن سرپرست هستند. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت ۱۲ درصد از مجموع ۲۴ میلیون خانوارهای کشور، زن سرپرست هستند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵). بخشی از این جامعه تک نفره را می‌توان به زنانی اختصاص داد که به صورت اختیاری این سبک از زندگی را برگزیدند گرچه بخش قابل توجهی نیز به دلایل مختلفی از جمله طلاق یا مرگ همسر از روی اجبار این شکل از زندگی را انتخاب کرده‌اند. با این حال اگرچه تنه‌زیستی، امری جنسیتی نیست و به مردان هم اختصاص دارد اما زندگی زنان تنها در این مطالعه اهمیت خاصی دارد چرا که تنها زیستی زنان از مخاطرات و مشکلات زیادی از جمله، موانع فرهنگی زیادی برخوردار است.

به طور کلی مطالعات متعدد، حاکی از تحول نظام ارزشی در میان جوانان ایرانی در طی سال‌های پس از انقلاب و به خصوص سال‌های پس از پایان جنگ است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۶). تمایل غالب و عمومیت یافته جوانان ایرانی به دیرتر ازدواج کردن، نمودی از ابعاد گسترده و وسیع تغییرات اجتماعی در ایران است که به شدت جامعه جوانان کشور را تحت تأثیر قرار داده است (گودرزی و عبدی، ۱۳۷۸). بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ میانگین سن در اولین ازدواج زنان در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال ۱۳۹۰، ۰/۴ سال کاهش پیدا کرد. به این ترتیب میانگین سن در اولین ازدواج زنان کل کشور در سال ۱۳۹۰ از ۲۳،۴ به ۲۳ سال در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. براساس بررسی‌های مرکز آمار ایران، تجرد قطعی که در سال ۱۳۷۵ برای مردان حدود ۱/۱ درصد و برای زنان ۱/۲ درصد بوده، در سال ۱۳۹۵ به ۲/۳ درصد برای مردان و ۳/۷ درصد برای زنان رسیده است؛ این آمار

نشان می‌دهد، روند افزایشی مجرد قطعی در زنان، بسیار بیشتر از مردان بوده به طوری که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ این شاخص برای مردان، حدود دو برابر شده اما برای زنان بیش از سه برابر بوده است.

از طرف دیگر، در چند دهه اخیر الگوی روابط جنسی در جهان تغییرات فراوانی داشته و اکنون نیز جامعه ایران در این زمینه با تحولات چشم‌گیری در حوزه ارزش‌ها و باورهای جوانان روبه‌رو است. شواهد حاکی از روند فزاینده معاشرت‌های عاطفی و جنسی پیش از ازدواج یا خارج از چارچوب ازدواج در میان جوانان است. هر چند این پدیده بیشتر با فرهنگ و حوزه زندگی خصوصی افراد آمیخته است تا حوزه عمومی و همگانی، ولی نمود آن در حوزه عمومی غیرقابل انکار است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱). بیش از نیمی از دختران دانشجو در تهران در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۴ تجربه معاشرت و دوستی با جنس مخالف پیش از ازدواج و حدود یک چهارم ارتباط نزدیک‌تر شامل تماس جنسی را گزارش کرده‌اند (خلج‌آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از گونه‌های جدید روابط پیش از ازدواج روابط مبتنی بر هم‌خانگی (هم‌باشی) است که یکی از چالش‌های جدید و نوپدید جامعه ایران نیز به شمار می‌آید (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱).

در این مطالعه می‌خواهیم روی افرادی تمرکز کنیم که هرگز ازدواج نکرده‌اند، گروهی از زنان که نه راه ازدواج را در پیش گرفته‌اند و نه ازدواج سفید؛ یعنی، همبالینی دو نفر بدون ازدواج را انتخاب کرده‌اند. دو دسته طرح شده همواره به عنوان موضوع مورد توجه بوده است و مطالعات و تحقیقات زیادی به‌ویژه در مورد زنان مجرد در سنین بالا انجام شده است. در حالی که زنان تنه‌زبست می‌توانند اشکال متعدد زنان مطلقه، بیوه و هرگز ازدواج نکرده را در بر بگیرند اما در این مطالعه بر زنان هرگز ازدواج نکرده‌ای متمرکز شده است که با انتخاب خود این سبک را برای زندگی خود انتخاب کرده‌اند. لذا با در نظر گرفتن اهمیت ازدواج و خانواده از نگاه جامعه، دین و بافت فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های ایرانی، افزایش تعداد زندگی‌های تک-نفره زنان در جامعه به عنوان موضوع مهم برای مطالعه تبدیل شده است. دختران تنها زیست نه تنها در سیاست گذاری‌های موجود در کشور جایگاهی ندارند، بلکه صرفاً به عنوان دردسر و مشکل دیده شده‌اند. با توجه به بالا رفتن سن ازدواج، علائق دختران مبنی بر آزادی‌های بیشتر و تعلقات‌شان نسبت به سبک زندگی شخصی، به نظر می‌رسد تنه‌زبستی به عنوان شکلی رایج از زندگی دختران شهری بدل شود از این رو مطالعه چنین موضوعی می‌تواند ابعادی بیشتر از مسئله را برای ما روشن سازد. از این رو، پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که زنان به چه دلایلی به تنها زیستی روی می‌آورند و به عبارتی، چه انگیزه‌هایی آنها را به تنها زیستی ترغیب می‌کند.

۲-۱. پیشینه تجربی

تنهازیستی موضوعی است که در دو دهه اخیر بسیار مورد توجه محققان در جهان بوده است. روند رو به افزایش خانوارهای تک نفره نشان از تحول و تغییراتی در زمینه روابط خانوادگی و سبک زندگی می‌دهد. در حالی که مطالعات انجام شده در کشور در خصوص هنجارمندی ازدواج، تجربه زیسته و درک زنان ازدواج نکرده از مجرد و مسائل مربوط به آن تمرکز کرده است و کمتر به تنهازیستی و ابعاد مختلف آن انجام شده است.

به طور نمونه، فعله‌گری و پروین (۱۳۹۶) در پژوهش خود به فهم تجربه زیسته دختران از تأخیر در ازدواج و شناخت راهکارهای مقابله با آن با استفاده از روش کیفی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد؛ دختران، شیوه‌های سنتی گذشته را در خصوص ارزش‌های سنتی ازدواج چندان قابل اعتماد نمی‌دانند که همین مسئله، عامل تأخیر در ازدواج آنها بوده است. در کنار این عامل ارزش‌های جدید در کنار توجه به فرصت‌ها و آرزوهای جدید زمینه تأخیر در ازدواج را فراهم ساخته است.

همچنین تحقیق حسینی و ایزدی (۱۳۹۵) نشان داد زنان مجرد حس متناقض داشته‌اند از یک طرف احساس آزادی و رهایی کرده و از طرف دیگر حس کمبود و نوعی احساس محرومیت از نداشتن همدم و فرزند داشتند.

مطالعه مدرسی یزدی و همکارانش (۱۳۹۶) در میان دختران مجرد بالای ۳۰ سال در شهر یزد نشان داد که بین باورهای عرفی و سنتی رایج در جامعه و میزان انزوای اجتماعی دختران مجرد رابطه وجود دارد. فرد مجرد در محدوده سنی مطالعه، فردی تابوشکن دیده می‌شود که از عرف رایج در جامعه خود فاصله گرفته است و هدف سرزنش جامعه قرار خواهد گرفت که پیامد آن، انزوا و کناره‌گیری از جامعه است. این مطالعه بر پیامدهای منفی مجرد چون، احساس تنهایی و انزوا، سرخوردگی، احساس پوچی، نداشتن تجربه مادری دست گذاشته است.

در خصوص موضوع تنهازیستی، علی‌آبادی و سراج‌زاده (۱۳۹۴) نشان دادند مجموعه دلایلی چون قواعد و قوانین خانوادگی، روابط با جنس مخالف، شکاف نسلی و کشمکش‌های بین نسل جوان و گذشته، استفاده از رسانه‌های جمعی و متعاقب آن ظهور اندیشه‌ها و تفکرات نوگرا (فردگرایی، برابری، آزادی خواهی، انتقادگرایی، روحیه دموکراتیک، عرفی شدن باورها، علم-گرایی و تخصص‌گرایی) و در نتیجه، استقلال و خودمختاری رفتاری دختران موجب ظهور تک‌زیستی در بین دختران شده است. به نظر می‌رسد، تمرکز این تحقیق بر دلایل اجتماعی

بوده و عوامل مؤثر دیگر نادیده گرفته شده است. همچنین تفکیکی بین افراد تنه‌زیست اختیاری و جبری که عنصر مهمی می‌باشد صورت نگرفته است.

پای‌نژاد (۱۳۹۱) نیز نشان داد مهمترین زمینه تک‌زیستی دختران مجرد داشتن شرایط نامساعد خانوادگی است، شرایطی چون فوت یا طلاق والدین (تحمیلی‌ترین نوع تک‌زیستی دختران مجرد)، بالا رفتن سن ازدواج، فرار از ازدواج اجباری، رهایی از مشکلات خانواده گسترده و فرار از خانواده نابسامان، بحران عاطفی در خانواده می‌باشد.

مرور نتایج پژوهش‌ها و مطالعات در دیگر کشورها نیز نشان داد که مجرد طولانی‌مدت زنان به عنوان مسئله مطرح است به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته و سنتی‌تر. به طور نمونه، یونگ و لوک چونگ (۲۰۱۵)، نشان داد در حالی که زنان بیوه همچنان گروه اصلی خانوارهای یک نفره هستند، افزایش شیوع خانوارهای یک نفره در آسیا، بیشتر ناشی از افزایش بزرگسالان شهری است که در نتیجه تأخیر یا کاهش ازدواج، افزایش طلاق و افزایش تحرک جغرافیایی به تنهایی زندگی می‌کنند.

دالتون^۱ (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود با عنوان «تجربه زیسته زنان هرگز ازدواج نکرده» نشان داد این مجرد به عنوان یک تجربه چند بعدی مطرح است. به طوری که آن دسته از زنان مجردی که با مجرد خود مشکل دارند بیشتر بر عناصر منفی‌تر مانند؛ تنهایی، از دست دادن، و نداشتن اتکا تأکید می‌کنند. اما دسته دیگر بر ویژگی‌های مثبت‌تر زندگی مجردی مانند آزادی و استقلال، فرصت رشد و تغییر شخصی اشاره می‌کنند.

همچنین لوونشتاین و همکاران^۲ (۱۹۸۱) در پژوهشی به بررسی رضایت و استرس زنان مجرد در دوران میانسالی با استفاده از روش کیفی و مصاحبه با زنان مجرد (قبل از ازدواج کرده یا هرگز ازدواج نکرده) پرداختند. آنها نشان دادند رضایت از زندگی با عواملی مانند سلامتی، تنها نبودن و زندگی با یک فرد دیگر، داشتن دوستان بسیار و کار ارتباط رابطه معناداری دارد.

در مطالعه دبوراکار^۳ (۲۰۰۷) نیز نشان داد اگرچه منافع اقتصادی و ابزاری ازدواج در طول نیم قرن گذشته تغییر کرده است و این امر باعث شده که ازدواج از یک ضرورت عملی کمتر باشد، اما هنجارهای فرهنگی هنوز هم یک رابطه عاشقانه پایدار با دیگری، را ترغیب و تشویق می‌کنند. فرهنگ عامه در اوایل قرن بیست و یکم، حاکی از فراگیر بودن پیام فرهنگی مبنی بر اینکه ازدواج هنوز هم یک هدف دنباله‌دار و غیر قابل تعویض برای زنان است، می‌باشد.

۱ . Dalton

۲ . Lived Experience of Never-Married Women

۳ . Loewenstein_Bloeh, Epsti eggy Gle, and Maggie Salvatore

۴ . Carr

رتنایش^۱ (۲۰۱۳) با مطالعه زنان شاغل تحصیل کرده اندونزیایی نشان داد؛ اندونزی برای زنان شاغل، مجرد و تحصیل کرده جای راحتی نیست. بیشتر این زنان غالباً دچار فشار، نابرابری و تبعیض هستند. زنان شاغل تحصیل کرده اندونزی در اکثر موارد در محیط اجتماعی دچار تبعیض، تعصب و موضوعات جنسیتی هستند. هم زنان ازدواج نکرده و هم والدین تصور می-کنند که خوشبختی زنان در ازدواج نهفته است. جامعه اندونزی به ازدواج و بچه دار شدن، اولویت بسیار بالایی می دهد و یک زن بی سرپرست به عنوان یک موجود "ناقص" شناخته می-شود.

ون دروات^۲ (۲۰۱۵) در چارچوب پدیدارشناختی-فمینیستی به بررسی تجربیات زنان در خصوص مجرد بودن در کشور آفریقای جنوبی پرداخته است. در این مطالعه زنان تنها بودن را به عنوان نبودن در رابطه تعریف کردند و بر مزایای آزادی شان در مورد مجرد بودن تأکید کردند. همچنین دختران مجرد اغلب خود را از طریق تحصیلات تعریف می کردند. آنها برای استقلال به تحصیلات خود متکی بودند و همچنین از تحصیلات به عنوان سازوکار دفاعی برای مجرد بودن استفاده می کردند و در نهایت دلایل مختلفی که برای علل مجرد ماندن گفته اند عبارتند از؛ به دلیل آسایش و آرامشی که در زمان مجردی داشتند تلاشی برای پیدا کردن شریک زندگی نداشتند و یا به سادگی نمی توانند همسری برای خود انتخاب کنند. وضعیت کیفی زندگی در دوران مجردی مانند داشتن زندگی راحت در کنار خانواده و همین طور، پیدانکردن شریک مناسب زندگی.

شارپ و گانونگ^۳ (۲۰۱۱) نیز در تحقیق خود به دنبال آن بودند که زنان در صورت مجرد ماندن در سنین ۲۰ تا اواسط ۳۰ سالگی چه پیام‌هایی از خانواده و جامعه دریافت می کنند. آنها با استفاده از روش پدیدارشناختی توصیفی نشان دادند فشار اجتماعی در احساسات آشکار و پنهان این دختران دیده می شود. آنان به علت اینکه در مسیری خلاف درخواست‌ها و تقاضاهای دیگران قرار گرفته بودند، احساس فشار و محدودیت می کردند. لذا آنان گرایش به تغییر محل زندگی خود و دوری از خانواده شان دارند.

همچنین با مطالعه داده‌های حاصل از بررسی نیروی کار کروپتون^۴ (۱۹۹۴) برای توصیف جمعیت نیروی کار کانادا در مقاله خود با عنوان «تنه‌زیستی بزرگسالان» به این نتیجه رسید که در یک دهه گذشته، تعداد خانواده‌های تکنفره تقریباً دو برابر شده است. وی معتقد است

- ۱ . Retnaningsih
- ۲ . Van der Watt
- ۳ . Sharp & Ganong
- ۴ . Crompton
- ۵ . Adults living solo

رشد تنها زیستی خانواده‌ها در اصل یک پدیده اقتصادی نیست، زیرا نسبت کسانی که به تنهایی زندگی می‌کنند به طور پیوسته در زمانی که درآمد واقعی بهبود نیافته افزایش یافته است. علاوه بر این، مشخصات دموگرافیک اساسی افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند در طول دوره، تغییر زیادی نکرد. دلایل رشد در ایجاد خانواده‌های انفرادی احتمالاً در تغییر نگرش، انتظارات و سبک زندگی نهفته است.

تاخیر در ازدواج یا مجرد ماندن یکی از مهمترین مفاهیم مورد بررسی در مطالعات گذشته بوده است در حالی که تنها زیستی مفهومی متفاوت با مجرد ماندن یا تأخیر در ازدواج است، چرا که مفاهیم پیشین موقعیتی در حال گذار را نشان می‌دادند که گویا زنان مجرد همچنان در انتظار ازدواج به سر می‌برند اما مطالعات متأخرتر و از جمله مقاله حاضر تنها زیستی را به عنوان نفس زندگی یا شکلی از سبک زندگی مطالعه می‌کند. در حالی که تنها زیستی دو وجه اختیاری و اجباری دارد؛ اغلب مطالعات تفکیکی میان این دو نداشته‌اند از این رو، نتایجی متناقض را در یافته‌های خود به دست آورده‌اند. برای دخترانی که به اجبار مجرد مانده‌اند تنها زیستی ممکن است با درد و رنج و احساس تنهایی بیشتری همراه باشد و از سویی دیگر افرادی که تنها زیستی اختیاری داشته‌اند لذت و رهایی در مرکز احساسات‌شان قرار گرفته باشد. از بعدی دیگر مطالعات تنها زیستی در مطالعات پیشین زنان مطلقه یا بیوه را نیز در بر گرفته است اما مطالعه پیش رو بر زنان هرگز ازدواج نکرده مبنی است.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. آن گاه که به دنبال بررسی تجربه زیسته و معانی آن هستیم پدیدارشناسی واجد بیشترین مناسبت برای چنین هدفی است. بسیاری از صاحب‌نظران پدیدارشناسی را فرایندی تفسیری تعریف کرده‌اند که در آن پژوهشگر به تفسیر معنای تجارب زیسته می‌پردازد (ون منن، ۱۹۹۰: ۲۰). براساس نظر لاندریج (۲۰۰۷) هدف پدیدارشناسی تمرکز بر دریافته‌های انسان‌ها از دنیایی است که در آن زندگی می‌کنند و اینکه معنای این دنیا برای آنها چیست. وندریستوپ و اسکات (۲۰۰۹) نیز معتقدند که هدف پژوهش پدیدار شناختی توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها است، آن‌گونه که در موقعیتی خاص توسط افراد ادراک می‌شوند.

ابزارگردآوری اطلاعات مصاحبه‌نامه نیمه‌ساخت‌یافته بوده است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق زنان ۴۰ سال و بالاتر هرگز ازدواج نکرده و ساکن تهران بودند که به صورت اختیاری

تنهازیستی را برگزیده بودند. داده‌های سرشماری حاکی از آن است که احتمال ازدواج در زنان پس از سن ۳۵ سال به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد و عمدتاً از سن ۴۰ به بالا تنها زیستی زنان معنای متفاوتی می‌یابد. زیرا زن ۳۰ ساله تنها زیست همچنان فرصت ازدواج دارد و ممکن است به دلایل مختلفی غیر از ازدواج نکردن تنها زیستی را انتخاب کرده باشد.

نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری معیار - محور یا هدفمند است. هدف تحقیق این بود که حداکثر تنوع را در این نمونه خاص از نظر سنی، تحصیلی، شغلی مدنظر قرار دهد، اما به دلیل دشواری پیدا کردن نمونه از روش گلوله برفی استفاده شده است و هر وقت از یک مسیر نمونه بیشتری یافت نشد سعی شد مسیر جدیدی را با نمونه متفاوت شناسایی کند. این تحقیق در مجموع موفق شد ۱۳ نمونه را برای مصاحبه هماهنگ کند. همه این نمونه‌ها شامل زنان ۴۰ سال و بالاتر هرگز ازدواج نکرده‌ای بودند که به طور مستقل و جدای از خانواده خود زندگی می‌کردند. همه این دختران به طور خودخواسته ازدواج نکرده بودند و دلخواهانه زندگی تنهازیستی را اختیار کرده بودند. برخی از آنها بیکار و برخی دیگر شاغل بودند و حداقل ۵ سال تنهازیستی را تجربه کرده بودند.

هر مصاحبه به شکل حضوری در منزل افراد یا مکان عمومی صورت گرفت و به لحاظ زمانی حدود ۲ ساعت به طول انجامید. همین‌طور مصاحبه‌ها از بهار تا پاییز ۱۳۹۸ درست قبل از آغاز همه‌گیری کرونا به طول انجامید. سؤال‌های مصاحبه‌ها از ابتدا بعد از طراحی اولیه در چهار مورد اولیه مورد بررسی قرار گرفت و به تدریج ترمیم شد. با این حال سؤال‌ها در هر مصاحبه بسته به نمونه مورد بحث از انعطاف لازم برخوردار بود. عمدتاً گفته می‌شود که بعد از رسیدن به اشباع کار نمونه‌گیری خاتمه می‌یابد اما در کنار این موضوع باید امکان‌پذیر بودن انتخاب نمونه بیشتر را هم مدنظر قرارداد. در اینجا بعد از هماهنگی با ۲۶ نمونه، مصاحبه با ۱۳ مورد موفقیت آمیز بود. اگرچه به نظر می‌رسد که بخشی از اشباع داده‌ها ناشی از پاسخ‌گویی سؤال‌های تحقیق باشد.

مصاحبه‌ها درست بعد از انجام پیاده‌سازی شدند. چند مصاحبه اول بعد از پیاده شدن در همان ماه نخست، مورد تحلیل اولیه قرار گرفتند و سعی شد تا مضامین محوری از آنها استخراج شود و برای مصاحبه‌های بعدی به کار رود. بعد از اتمام کامل مصاحبه‌ها، تحلیل مضمون به عنوان روش تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق انتخاب شد. بدین صورت که مصاحبه‌ها بعد از پیاده‌شدن و غوطه‌وری لازم درون آنها بر مبنای سؤال‌های اصلی مقوله‌بندی شدند و شواهد و نقل قول‌ها ذیل هر مقوله جای داده شده‌اند. کوشش شد مقوله‌بندی‌ها از طریق تکنیک مشابهت‌ها و تفاوت‌های درون هر مقوله مجدداً تحلیل شوند.

دلایل و زمینه‌های تنه‌از‌بستی زنان تهرانی: خانه‌ای از آن خود

جدول (۱) توصیف مشخصات مشارکت‌کنندگان

مدت زمان زندگی مستقل	محل سکونت خانواده پدري	وضعیت مسکن	وضعیت اشتغال	تحصیلات	سن	مصاحبه
۹ سال	بندر انزلی	مستأجر	کارمند بانک	MBA کارشناسی ارشد	۴۰	۱
۸ سال	تهران	مالک	دفتر نشریه	کارشناسی ارشد حقوق	۴۰	۲
۵ سال	تهران	خانه مستقل پدر	عضو هیئت علمی پژوهشکده انسان‌شناسی	دکترای مردم‌شناسی	۵۶	۳
۱۷ سال	تهران	مالک	عضو هیئت مدیره شرکت معدنی	فوق لیسانس مدیریت	۴۷	۴
۸ سال	یکی از شهرهای شمال کشور	مستأجر	آزمایشگاه بیمارستان و مدرس دانشگاه	دکترای جنین‌شناسی	۴۰	۵
۵ سال	سمنان	مستأجر	کارمند شهر کتاب	کارشناسی ارشد تاریخ	۴۲	۶
۶ سال	نجف آباد	مستأجر	روانشناس در کلینیک و مدارس	کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان	۴۳	۷
۶ سال	اهواز	مالک	بیکار	کارشناسی ارشد حقوق زن در اسلام	۴۲	۸
۱۸ سال	تهران	مستأجر	دانشجو	کارشناسی ارشد مردم‌شناسی	۵۲	۹
۱۲ سال	تهران	مستأجر	بیکار	دیپلم	۴۱	۱۰
۱۲ سال	تهران	مالک	بیکار	دوم راهنمایی	۵۴	۱۱
۱۲ سال	تهران	مستأجر	کارمند شهرداری	کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	۴۰	۱۲
۱۰ سال	اردبیل	مالک	معلم بازنشسته	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	۶۰	۱۳

ع. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در دو مقوله اصلی شرایط و علل/زمینه‌های شکل دهنده و همچنین دلایل انتخاب تنه‌زیستی سازمان داده شده‌اند.

جدول (۲) مضامین اصلی و فرعی استخراج شده

مضامین اصلی	مضامین فرعی
زمینه‌های تنه‌زیستی	<ul style="list-style-type: none"> - تحصیلات دانشگاهی و زندگی خوابگاهی - خانواده (شرایط خانوادگی) - اتفاقات و رخداد‌های نامطلوب و نابهنگام
دلایل تنه‌زیستی	<ul style="list-style-type: none"> - استقلال و آزادی‌های شخصی - رها شدن از قواعد و چارچوب‌های خانواده - کسب مهارت و خودساختگی - احساس آسودگی و راحت بودن - فرار از برچسب‌زنی و کاهش نگرش منفی به دلیل تجرد طولانی مدت

ع-۱. زمینه‌های شکل دهنده به تنه‌زیستی

در اینجا زمینه‌ها و عوامل تسهیل کننده و مقوم تنها زیستی، به سه دسته تقسیم می‌شود؛ تحصیلات دانشگاهی و زندگی خوابگاهی، اشتغال و استقلال اقتصادی و خانواده و شرایط خانوادگی. این سه مؤلفه هر یک به تنهایی یا در کنار یکدیگر می‌توانند زمینه تمایل دختران به تنها زیستی باشند. به نظر ما این مجموعه عوامل با مجموعه دلایل و انگیزه‌ها از این جهت متفاوت است که این علل با عنوان زمینه‌های شکل دهنده به تنها زیستی یاد شده است از انگیزه‌های تنه‌زیستان فراتر می‌رود و به عنوان شرایط پیشین برای تنها زیستی عمل کرده است.

مؤلفه تحصیلات و زندگی خوابگاهی یکی از مهمترین مؤلفه‌ها برای ایجاد گرایش در بین دختران برای تنها زیستی است. تحصیلات وقتی مستلزم رفتن به شهر دیگر و زندگی خوابگاهی باشد؛ زمینه را برای تمرین جدایی از خانواده فراهم می‌کند. بنابراین، برای دخترانی که در

خوابگاه مدتی جدای از خانواده خود زندگی کرده‌اند بازگشتن به مناسبات خانوادگی و مداخلات احتمالی آسان نیست. برای مثال، هاجر ۴۰ ساله که با قبول شدن در دانشگاه از خانواده جدا شد و در خوابگاه زندگی مستقل را تجربه کرد. بعد از اتمام تحصیل به شهر خود بازنگشت و زندگی مستقل خود را در تهران ادامه داده است، در خصوص تأثیر تحصیلات دانشگاهی بر تغییر مثبت نگرش و افزایش اعتماد خانواده به خود، می‌گوید:

«وقتی فوق لیسانس قبول شده اصلاً نگاه همه تغییر کرده است، قبلاً همه می‌گفتند "رفت به لیسانسی گرفت، خوب دست از پا درازتر برمی‌گردد." ولی وقتی فوق لیسانس قبول شده و مخصوصاً وقتی تهران مانده است. همه اینها فهمیدند که نه این آدم دارد زندگی می‌کند و می‌تواند به اصطلاح گلیم خودش را بیرون بکشد و مستقل باشد دستش در جیب خودش باشد.»

مؤلفه دومی که می‌توان به عنوان زمینه ظهور تنه‌زبستی دختران در نظر گرفت متغیر خانواده است. در اینجا خانواده هم می‌تواند نقش مؤثر و مشوق جدایی‌گزینی و تنه‌زبستی داشته باشد و هم می‌تواند از طریق دیگر یعنی ایجاد محدودیت و موانع برای زیست فرد در کنار اعضای خانواده بر فرد فشار ایجاد کند و او را وادار به کوچ به زندگی مستقل کند.

به عنوان مثال، برای منیژه ۵۲ ساله که بازنشسته و دانشجوی است و سابقه ۱۸ سال زندگی مستقل دارد این احساس وجود داشت که محدودیت‌های زیادی را باید در کنار خانواده تحمل کند. او می‌گوید:

مادامی که در خانه پدر هستی، دختر پدر هستی و باید از قوانین تبعیت کنی، سر یک ساعتی بروی، سر یک ساعتی برگردی، معاشران بخصوصی، می‌توانی داشته باشی. با یک عده خاصی می‌توانی معاشرت بکنی، گاهی وقت‌ها دست تو نیست نباید معاشرت بکنی چون شرایطش نیست. همین طور خانه پدرم و مادرم خیلی همیشه شلوغ بود یعنی هر کسی هر موقع مشکل داشت آنجا بود؛ این شلوغی هم کم کم داشت آزارم می‌داد.

از طرفی میترا ۴۱ ساله که خانواده‌ای سنتی دارد. خانواده وی به شدت مخالف جدا شدن بودند و برای منصرف کردن میترا واکنش تندی نشان دادند. وی که حدود ۱۲ سال قبل اقدام به جدا شدن از خانواده کرد می‌گوید:

«وقتی تصمیم گرفتیم از خانه پدرم بروم و مستقل زندگی کنم بابام به شدت مخالفت کرد. وقتی دید در تصمیم خیلی محکم هستم گفت اگه رفتی دیگه برنگرد. اما من تصمیم رو گرفته بودم و رفتم. از نظرش کفر بود، گناه کبیره. بخاطر طرز فکرش و سنش، می‌گفت: دختر بده بره تنها زندگی کند.»

به نظر می‌رسد با افزایش سن، آستانه تحمل کاهش یافته و انتظارات و توقعات از زندگی تغییر می‌کند. لذا با طولانی شدن دوران مجرد ضرورت بیشتری برای زندگی مستقل و مدیریت زندگی توسط فرد ایجاد می‌شود و به عنوان عامل تقویت‌کننده در کنار سایر زمینه‌ها شرایط استقلال‌طلبی را فراهم می‌کند. همیشه مواجهه منفی خانواده در زندگی عامل جدایی‌ساز برای تنه‌زیستی دختران نبوده است. دخترانی هم بوده‌اند که رابطه خوبی با والدین داشته‌اند اما در عین حال هم فرزندان و هم والدین می‌پذیرفتند که فضای خصوصی بیشتری برای آنها مورد نیاز است. برای مژگان که ۴۰ سال دارد و ۹ سال است به صورت مستقل و تنها در تهران زندگی می‌کند خانواده به عنوان تسهیل‌کننده شرایط تنه‌زیستی عمل کرده است:

«کلاً یک شخصیت‌هایی خودشان مستقل هستند. خانواده هم هولشان می‌دهد. یک وقت-هایی فقط خانواده مؤثر است. ولی فکر کنم من از نوع اول هستم که هر دو تا شامل حال من می‌شد، هم خودم این استقلال را دوست داشتم و هیچ وقت نجسبیدم به کسی. خانواده هم اجازه‌اش را دادند.»

بنابراین، فارغ از داشتن شرایط مساعد یا نامساعد خانوادگی و نوع روابط و تعامل با اعضای خانواده، انگیزه و دلیل انتخاب زندگی انفرادی نفس ساختار خانواده و مختصات زندگی در کنار اعضای خانواده است که فرد را ملزم به رعایت تقیدات و قواعدی می‌کند که فرد احساس می‌کند برایش قابل پذیرش و تحمل نیست.

به طور نمونه، خانواده منیژه ۱۸ سال پیش به دلیل نگرش و باورهای فرهنگی و اجتماعی‌شان مخالفتی با خواست وی در خصوص ترک خانه پدری و شروع یک زندگی مستقل نکرده‌اند. وی در این باره می‌گوید:

«زمانی که من تصمیم به مستقل شدن گرفتم از نظر جامعه تابو بود. اما من آن موقع شرایط برایم مهیا بود. به جهت اینکه خانواده خیلی روشن و باز و تحصیل‌کرده-ای داشتم. خیلی به آزادی‌های رفتاری‌مان بهاء داده می‌شد. پدرم آدم دنیا دیده‌ای بود و ذهن بازی داشت. خیلی پذیرای تحولات بود. با چیزهای جدید راحت‌تر می-تونند کنار بیایند.»

مؤلفه سوم را می‌توان ذیل اتفاقات و رخداد‌های ناپهنگام و عمدتاً نامطلوب جای داد. گاهی اتفاقات پیش‌بینی نشده و شرایط جدیدی که ممکن است در زندگی هرکس رخ دهد و فرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که تصمیماتی بگیرد که براساس تمایل و خواسته قلبی فرد نیست. به گونه‌ای که اگر آن شرایط پیش نمی‌آمد فکر و تصمیم زندگی تکفرفه نیز شکل نمی‌گرفت.

به طور نمونه شهره ۴۷ ساله و شاغل است. با فوت مادر و تصمیم به ازدواج پدر، زندگی در کنار زن پدر برایش دشوار و غیرقابل پذیرش است و ترجیح می‌دهد زندگی مستقل یکنفره را برگزیند. نارضایتی پدر خانواده و وضعیت نه چندان مساعد مالی وی نیز، مانع عملی کردن تصمیم او نمی‌شود. شهره درباره تجربه روند تصمیم‌گیری برای مستقل شدن از خانواده‌اش می‌گوید:

«من ۲۹ سالم بود. حقیقتش آن موقع خیلی اوضاع و احوال مالی خوبی هم نداشتم. دائم فکر می‌کردم که خدایا من از اینجا بخوادم بیرون بیایم چه کار کنم؟ حقیقتش هر طور فکر می‌کردم می‌دیدم نمی‌توانم وقتی پدرم ازدواج کند آنجا بمانم نه درست هست، نه من خودم راحت هستم نه آنها. به همین دلیل یواش یواش تصمیم گرفتم وسایل برای خودم بگیرم و همین‌طور ریز ریز شروع کردم چیز میز جمع کردن تا بتوانم یک خانه‌ای بگیرم و بروم.»

یا اینکه سمیه ۴۰ سال دارد. سال‌ها پیش پدر و مادرش از هم جدا شده‌اند و با مادر و خواهر و برادرش زندگی می‌کرد. وقتی شاغل می‌شود به دلیل دلخوری از نوع برخورد مادر و اختلافات ایجاد شده با وی، تصمیم به جدایی از خانواده و شروع زندگی تکنفره می‌گیرد. در حال حاضر ۱۲ سال است که مستقل است. او می‌گوید:

«آن موقع تحت فشار مالی بودیم در خانواده. با مادرم نمی‌ساختیم. من و مامانم را بیندازند یک جا صدایمان در می‌آید. هرکسی ساز خودش را می‌زند. بعد از اینکه رفتیم سرکار مامانم خیلی راحت برگشت گفت: اگه می‌خواهی بمانی اینجا باید کرایه بدهی، همین طوری. به من هم خیلی برخورد. تصمیم گرفتم مستقل شوم. هرچند شرایط مالی خیلی خوب نبود. اما به من خیلی برخورد بود می‌خواستم خودم را نشان بدهم.»

به طور کلی دانشگاه رفتن و به طور خاص زیستن جدای از خانواده امکان تنها زیستی را مهیا کرده است. از سویی دیگر عوامل بازدارنده خانواده وجود دارد که نقش مهمی در جدایی ایفا می‌کنند. این نقش ضرورتاً به معنای بد بودن یا بد رفتاری خانواده با فرزندان نیست بلکه بیشتر به فضایی که دختران درون خانواده آن را پیدا نمی‌کنند ربط دارد. سوم شرایط نابهنگامی وجود دارد که در زندگی رخ می‌دهد و فرد را مجبور به تنه‌زیستی می‌کند.

۲-۴. دلایل و انگیزه‌های تنه‌زیستی

تنه‌زیستی می‌تواند براساس شرایط جبری مثل فوت و یا طلاق والدین و یا مهاجرت باشد و یا آزادانه و به اختیار فرد به دلایلی همچون نارضایتی از وضعیت موجود، تمایل به کسب تجربه

جدید، رسیدن به آرامش بیشتر و ... باشد. امروزه، ازدواج، دیگر تنها راه به دست آوردن استقلال و مدیریت زندگی به‌ویژه، برای زنان نیست. لذا تن دادن به هر ازدواج غیردلخواه برای رسیدن به استقلال و ترک خانه پدری مثل گذشته رایج نیست. زندگی‌های مستقل تک‌نفره یکی از راه‌های جایگزین کسب استقلال بدون ازدواج است. مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، بر آزادی عمل خود در کلیه امور زندگی از جمله استقلال در افکار، گفتار و رفتار تأکید کرده و برایشان اهمیت بالایی دارد. تا جایی که برخی از آنها حاضر نیستند آزادی و استقلال به دست آورده را تحت هیچ شرایطی از دست بدهند، نه با برگشت به خانه پدری و نه حتی با ازدواج تمایلی به تضعیف استقلال فعلی خود ندارند.

از آنجا که در این پژوهش هدف مطالعه، تنهازیستی‌هایی است که اختیاری هستند است؛ لذا به دنبال آن هستیم که به این سؤال پاسخ دهیم که چرا زندگی تک‌نفره توسط برخی زنان انتخاب می‌شود. به دست آوردن استقلال و آزادی‌های شخصی، کسب مهارت و خودساختگی، رها شدن از قواعد و چارچوب‌های خانواده، احساس آسودگی و راحت بودن را می‌توان از دلایل تنهازیستی اختیاری نام برد. از این میان، می‌توان به این نکته اشاره کرده که مهم‌ترین و جدی‌ترین دلیل ترک خانواده و جدا شدن از آنها استقلال و مدیریت زندگی شخصی است. حفظ حریم شخصی، تصمیم‌گیری‌های مستقل و خودکفایی برای پذیرش مسئولیت زندگی انگیزه‌هایی است که فرد را در صورت داشتن زمینه و شرایط اولیه برای زندگی مستقل سوق می‌دهد. در مجموع دلایل نامبرده را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از انگیزه‌ها برای انتخاب زندگی تک‌نفره دختران مجرد نام برد.

سحر ۴۰ سال دارد و پزشک است. وی ۸ سال است که زندگی مستقل را تجربه کرده است وی در این باره می‌گوید:

« جدا زندگی کردن از پدر و مادر بیشتر به دلیل حس استقلال طلبی فرد است و میل به دیده شدن و داشتن زندگی شخصی برای خود که در آن زندگی خودت تصمیم‌گیرنده آن باشی، سبب می‌شود فرد به زندگی مستقل رو بیاورد. چون خانواده یک چارچوب مخصوص به خود دارد که در آن صورت در کنار خانواده باید به آن چارچوب‌ها پایبند باشد و شاید همین امر باعث شود در محیط خانواده همانی نباشی که در واقعیت وجودی خودت هستی. برای همین که خودت باشی و به نوعی تحت کنترل دیگران نباشی، فکر می‌کنم که تمایل به زندگی مستقل بیشتر از قبل شده است.»

داشتن زندگی مستقل باعث شده آنها روحیه و احساسات بهتری را نسبت به زندگی احساس کنند. تجربه زندگی مستقل و لذت مدیریت فردی زندگی باعث شده که علی‌رغم مواجه بودن با مشکلات و مسائل، تمایلی به بازگشت به محیط خانواده نداشته باشند. اعظم ۵۴ سال دارد.

وی علی‌رغم اینکه شاغل نیست و اوضاع اقتصادی چندان خوبی هم ندارد (تا جایی که از نظر مالی و گذران زندگی به خواهر و برادرهای خود وابسته است) ۸ سال است که با همه سختی‌ها از خانواده جدا شده و به صورت مستقل و تنها زندگی می‌کند. وی داشتن استقلال را مهم و ضروری می‌داند و می‌گوید:

«من استقلال خودم را می‌خواهم. می‌خواهم در خانه خودم باشم. هر کاری که دلم خواست بکنم. راحت باشم. وقتی با دیگران زندگی کنی باید مطیع آن خانواده باشی. هر کاری که آنها می‌کردند باید بکنم. دوست نداشتم بگویند کجا می‌روی؟ کی می‌آیی؟ چه کار می‌کنی؟ یا دلم می‌خواهد موسیقی را زیاد کنم. قبل از این نمی‌توانستم یک مهمانی بروم می‌رفتم می‌گفتند نه اینجا برو. مثلاً خانه فلانی می‌رفتم نه خانه فلانی برو. مدام نظر می‌دادند و این آزارم می‌داد. تا زمانی بتوانم سر پا باشم و نیازی و مشکلی برایم پیش نیاید یا بیماری که نتوانم آن را رفع و رجوع کنم؛ بر نمی‌گردم.»

مهارت‌آموزی را می‌توان از دیگر دلایل انتخاب تنه‌زبستی برشمرد که در ترغیب افراد برای روی آوردن و انتخاب زندگی مستقل مؤثر است. بخش قابل توجهی از زنان مورد مطالعه در تحقیق، معتقدند تنها زیستی به آنها چیزهایی از زندگی یاد می‌دهد که وقتی ازدواج می‌کنند و وابسته به فرد دیگری می‌شوند و یا در خانه پدری و در کنار خانواده زندگی می‌کنند، نمی‌توانند آن مهارت‌ها را یاد بگیرند. از نظر زنان تنه‌زبست تجربه زندگی مستقل قبل از ازدواج به عنوان فرصتی برای ارتقای فردی، افزایش توانمندی‌ها و یادگیری مهارت‌های بیشتر تلقی می‌شود. به عنوان نمونه مانده ۴۰ ساله و شاغل با ۸ سال تجربه زندگی مستقل در این خصوص چنین نظری دارد:

«یک چیزهایی را یاد می‌گیری که ازدواج به تو یاد می‌دهد. ولی وقتی انتخابت این است که ازدواج نکنی این چیزها را باید یاد بگیری وگرنه همیشه وابسته می‌مانی. حتی در برخی ازدواج‌ها، خانم‌ها وابسته باقی می‌مانند. ولی این که آدم یاد بگیرد خودش تنها باشد، به نظر مهمترین حسن است.»

برخی اوقات نیز محیط زندگی و شرایط حاکم بر آن، از نظر برخی، محدود کننده است به گونه‌ای است که در آن فضا زمینه و بستری برای پیشرفت برای خود نمی‌بینند. فرهنگ، ارزش‌های حاکم و یا کمبودها و امکانات اندک سبب می‌شود فرد ترجیح دهد آن محیط را ترک کند و برای پیشرفت کردن و تجربه‌های جدید مبتنی بر علایق و اهداف خود به زندگی مستقل روی آورد، حتی اگر این انتخاب و تصمیم، مصائب و مشکلاتی را در پی داشته باشد. این تغییر محیط می‌تواند بین شهری و یا درون شهری باشد. بنابراین، دختران مجرد برای

پیشرفت فردی و کسب مهارت راهکار جدا شدن از خانواده و ترک محدودیت‌های محیط زندگی و یا شرایط خانواده را اتخاذ می‌کنند. سهیلا ۴۳ سال و فوق لیسانس امور تربیتی دارد که در تهران مشغول به کار است. خانواده‌اش در شهر کوچکی زندگی می‌کنند و حدود ۶ سال است که تنها زندگی می‌کند. وی در مورد دلیل انتخاب تنهازیستی خود می‌گوید:

«شهرمان برایم خیلی کوچک بود، حوصله‌ام سر می‌رفت. یک تایمی شروع کردم فعالیت را بکنم مثلاً دوچرخه بخرم شب‌ها بروم دوچرخه سواری. همین طور یک مرکز درمان بیماران اوتیسم در شهرم راه انداختم. شب‌ها همان جا می‌خوابیدم. با مامان بابام مشکلی نداشتم که آنجا زندگی کنم ولی احساس کردم که من همیشه در محل کار می‌مانم و خستگی‌ام رفع نمی‌شود. یک تایم‌هایی می‌رفتم خانه. یک زمان -هایی هم آنجا بودم باز فایده‌ای نداشت حالم خوب نبود احساس خوشایندی نداشتم تا این که تصمیم گرفتم مرکز را جمع کنم و با کلی بدهی برگردم تهران و برگشتم.» نمونه دیگر سحر است وی ۴۰ ساله و پزشک است. سحر علاوه بر محدودیت‌های رایج شهر محل زندگی خود، نبود فضای رشد و پیشرفت را از دیگر دلایل مهاجرت و شروع زندگی تک-نفره در شهری بزرگتر و با امکانات بیشتر می‌شمارد:

«شما وقتی در شهر خودت زندگی می‌کنید، اول از همه باید به فرهنگ خانواده‌ات احترام بگذاری ... ممکن است کارهایی را به خاطر حرفه‌ات بخواهی انجام دهی ولی به خاطر خانواده و آشنایان دور و نزدیک نمی‌توانی انجام دهی. اما در این شرایط زندگی مستقلی که دارم اصلاً این کنترل‌ها و ملاحظات نیست و آن جور که دلم می‌خواهد زندگی می‌کنم و دیگر قضاوت نمی‌شوم... از هیئت علمی دانشگاه شهر خودم انصراف دادم و دلیلش این بود که در شهر کوچک خیلی نمی‌توانی رشد کنی. چون من کلاً آدم مذهبی نیستم و وقتی در شهر کوچکی به عنوان هیئت علمی دانشگاه مشغول به کار باشی بیشتر مردم به تو از لحاظ رعایت مسائل مذهبی و شرعی توجه دارند ... اما در تهران این گونه محدودیت‌ها به نسبت کمتر است.»

از دیگر دلایل تنهازیستی که در این تحقیق روشن شد و می‌توان آن را ذیل مفهوم رها شدن از قواعد و چارچوب‌های خانواده جای داد. تغییر در باورها و نگرش‌های والدین و فرزندان باعث تفاوت دیدگاه آنها به زندگی شده است و بر همین اساس فرزندان مانند گذشته حاضر نیستند از هنجارها و قوانین خانواده پیروی کنند. شیوه زندگی تک‌نفره با عاملیت تک فرد خانواده و بر مبنای اولویت‌ها و علاقمندی‌های فردی، جایگزین ارزش‌های جمع‌گرایانه شده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد طولانی شدن دوران مجرد، باعث کاهش آستانه تحمل

برای چارچوب قواعد و تعیین‌های خانوادگی می‌شود و فرد برای رهایی از آن و رسیدن به استقلال به اشکال دیگری غیر از ازدواج نیز فکر کند. مزده ۴۰ ساله نیز که ۱۲ سال است که تنها و مستقل در تهران زندگی می‌کند در مورد آزادی عمل خود می‌گوید:

«در زندگی‌ام همه چیز واسه خودم است. خودم تصمیم می‌گیرم. قانون خودم را دارم. در خانه هیچ کس به من نمی‌گوید چه کار کن و چه کار نکن. خودم تصمیم می‌گیرم چه بخورم، چه بپوشم، چه کار کنم، کجا بروم، با کی بگردم. اصلاً از چه چیزی باید ناراضی باشم؟ من افکار خودم را دارم عقاید خودم را دارم پوشش خودم را دارم. دوست دارم بلند بخندم. لباسی که دوست دارم می‌پوشم و خیلی چیزهای دیگر.»

گاهی اوقات نیز فرد با قواعد و چارچوب‌های خانواده، احساس همراهی نمی‌کند و آنها را سخت‌گیرانه و غیرقابل قبول می‌داند و برای این که مورد سرزنش قرار نگیرد، مجبور است رفتارهایی را انجام دهد که به آنها اعتقادی نداشته، یا تمایل به انجام آنها نیز ندارد. لذا، ترک خانواده و تشکیل زندگی مستقل را راه‌کاری برای فرار از وضعیت موجود می‌بیند. در نهایت هر دو دسته، ترک خانواده و زندگی مستقل یک‌نفره را به عنوان راه‌حل بهتر شدن وضعیت زندگی خود انتخاب کرده‌اند. می‌تواند ۴۱ ساله که ۱۲ سال است که به صورت مستقل زندگی می‌کند، از محدودیت‌های خانوادگی خود که برایش آزاردهنده بوده است چنین می‌گوید:

«من در خانه نمی‌توانستم تاپ بپوشم، بد می‌دانستند. مثلاً وقتی بابام می‌آمد باید پاهایمان را جمع می‌کردیم نمی‌توانستیم دراز بکشیم یا مثلاً راحت در خانه آهنگ گوش کنیم. خوب چون اسم خانواده شاهد روی ما بود مجبور بودیم خیلی چیزها را رعایت کنیم. مثلاً من را مجبور می‌کردند چادر سرم کنم. مجبور بودم یواشکی آهنگ گوش کنم. وقتی اذیت می‌شوی در خانه نمی‌توانی با خانواده کنار بیایی. خوب مجبوری بروی. نمی‌خواهی به خاطر محدودیت‌ها از خواسته‌های دلت بگذری، چیزهایی که دنبالشان هستی برایت مهم است اینها باعث می‌شود آدم برود دیگر. خیلی‌ها می‌توانند تحمل کنند و کوتاه بیایند، خیلی‌ها هم می‌گویند ول کن، قیدش را می‌زنند. حتی همین الان هم که مستقل شدم خانه خواهر برادرها که می‌روم مانتوی مخصوص آنجا و آرایش متفاوت می‌کنم.»

همچنین حس آسودگی و راحتی در زندگی مستقل و تک‌نفره برای دخترانی که ازدواج نکرده‌اند را نیز می‌توان به عنوان دلیل چهارم تنه‌زبستی برشمرد. آنها زندگی مستقل را فرصتی می‌دانند برای آن که بتوانند آن طور که دوست دارند زندگی کنند. برای کارهایی که انجام می‌دهند مدام در حال پاسخگویی نباشند. مجبور نباشند به خاطر دیگر اعضای

خانواده آنچه را دوست ندارند یا برایشان اهمیت ندارد را مهم تلقی کنند و انجام دهند. این آسودگی و راحت بودن پیوستاری است از علایق و سلیق فردی و حذف آنچه را که دوست ندارند از زندگی‌شان. تجربه حس آسودگی و راحتی با داشتن آزادی عمل در امور زندگی از جمله، چه غذایی بخورند و چه بپوشند و چه زمانی و با چه کسانی سفر بروند تا چیدمان خانه و مدیریت زندگی‌شان و ...

سحر ۴۰ سال دارد و ۸ سال است که دور از خانواده و به صورت مستقل در تهران زندگی می‌کند. وی معتقد است:

«وقتی با خانواده‌ات هستی راحت نمی‌توانی هر ساعت که می‌خواهی بخوابی، هر غذایی را که دلت می‌خواهد بخوری یا مثلاً می‌خواهی شب ظرف‌هایت نشسته بماند یا ساعتی از روز یا شب بخوابی بیرون یا پارک بروی. باید نظر دیگران را هم بدانی. مثلاً دلت می‌خواهد یک ساعتی از روز، دوستت را دعوت کنی در کنار هم چای یا قهوه بنوشید. در کل باید همه این موارد را با خانواده‌ات در میان بگذاری اما در زندگی مستقل تصمیم‌گیری فقط برعهده خودت است.»

فرار از برچسب‌زنی و کاهش نگرش منفی اطرافیان به دلیل عدم ازدواج دختر خانواده نیز از دیگر دلایل انتخاب تنه‌ازیزی شمرده می‌شود. نگرش منفی و تعبیر نامناسبی که در مورد دختران ازدواج نکرده در گذشته وجود داشت با افزایش تحصیلات و اشتغال زنان، استقلال اقتصادی و کسب جایگاه اجتماعی، گرچه کم‌رنگ‌تر شده اما از بین نرفته است و کماکان برای دختران مجرد آزاردهنده است. براساس یافته‌های به دست آمده به نظر می‌رسد زندگی مستقل و خارج شدن از چتر حمایت مستقیم خانواده سبب شده نه تنها بار منفی مجرد طولانی مدت کاسته شود بلکه بعد از مدت زمانی با به نمایش گذاشتن موفقیت‌های اکتسابی در زندگی مستقل یک‌نفره به آنها به چشم دختر ازدواج نکرده در خانه پدر مانده نگریسته نشود و جلب اعتماد و رضایت خانواده و خویشاوندان را نیز ایجاد می‌کند. لذا با توجه به نتایج حاصله به نظر می‌رسد تنه‌ازیزی راه حلی برای گریز از نگرش منفی و پاس‌خگویی در خصوص علل مجرد بودن و انگ ترشیده بودن است.

مینو ۵۲ ساله که مدت زمان زیادی است که به صورت مستقل زندگی می‌کند. زندگی مستقل دختران مجرد را راه حلی مناسب در برابر برچسب‌زنی‌ها می‌داند که به دلیل ازدواج نکردن از سوی اطرافیان زده شود:

« وقتی می‌گویند ترشیده یک آدم منفعل که هیچ‌جا را نمی‌تواند ببیند هیچ‌کاری نمی‌تواند بکند و هیچ تجربه زیبایی از زندگی و از جوانی ندارد. نه نوجوانی کرده نه جوانی. نه میان‌سالی دارد. منفعل و منزوی و هیچ‌کاره است؛ یعنی اجازه‌اش دست کس دیگری

است، پول جیبی‌اش را هم از کسی دیگر می‌گیرد، ترشیده برای این جور آدم‌ها مصداق پیدا می‌کند نه دخترانی که به تنهایی یک زندگی را می‌گردانند.»

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در گذشته اکثریت کسانی که به تنهایی زندگی می‌کردند افراد سالمند بوده‌اند یا افرادی که جبراً و به ناچار مجبور به تنها زندگی کردن شده‌اند. اما در حال حاضر تعداد زیادی از افراد در سال‌های جوانی و میانسالی با اختیار و انتخاب خود به تنه‌زیستی روی می‌آورند. با وجود این تغییر جمعیتی، زندگی انفرادی تقریباً در عرصه عمومی بازنمایی جدی نشده است و در مورد تجربه زندگی تنها، اطلاعات زیادی موجود نیست. پژوهش حاضر با هدف مطالعه دلایل و انگیزه‌های روی آوردن زنان به تنها زیستی با رویکرد پدیدارشناسی است. در این مطالعه بر ارتباط بین مجرد بودن و تنها زیستی تأکید شده است و هر شکل از تنه‌زیستی موضوع مطالعه نبوده است؛ بنابراین، تجربیات ۱۳ نفر از زنان مجرد تنه‌زیست ساکن شهر تهران با استفاده از مصاحبه عمیق مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. براساس تفسیرهای انجام گرفته در مورد داده‌های به دست آمده چندین مقوله با عنوان زمینه‌ها، دلایل و انگیزه‌های تنه‌زیستی در این خصوص دسته‌بندی شد.

از آنجا که در رویکرد پدیدارشناسی تمرکز عمده بر تجربه و زیست جهان موضوع مورد مطالعه است. این شیوه، به محقق توصیه می‌کند در مطالعه پدیده‌ها کاربرد نظریه‌ها و مفاهیم پیشین را به حداقل برساند و فارغ از چارچوب‌های نظری متعین به سراغ پدیده‌ها برود (جورجی، ۱۹۹۴). اما اینکه این زیست جهان با کدام نظریه‌های اجتماعی هم‌خوان است قابل تحلیل و بررسی است. زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی که گرایش به تنها زندگی کردن شکل گرفته و روبه افزایش است در این مطالعه مدنظر بوده است. برهمن اساس برخی از نظریه‌پردازان این پدیده را نشانه کاهش ارتباط و تعاملات افراد تحلیل می‌کنند و تهدیدکننده زندگی خانوادگی و همبستگی اجتماعی می‌دانند (بلا و دیگران، ۱۹۸۵؛ بک و بگرنشاپم، ۱۹۹۵؛ پاتنام، ۲۰۰۰؛ باومن، ۲۰۰۳)، در مقابل برخی دیگر تنه‌زیستی و زندگی انفرادی را به عنوان یک تغییر رهایی‌بخش که در راستای دموکراتیک کردن زندگی شخصی است می‌دانند و معتقدند زندگی انفرادی باعث کاهش روابط بین فردی نمی‌شود، بلکه بنیان‌های دموکراتیک و جدیدی را می‌سازند که در این بنیان‌ها روابط برابر می‌تواند پایدار باشند (گیدنز، ۱۹۹۲؛ بکر و چارلز، ۲۰۰۶؛ روزنهییل، ۲۰۰۷؛ بودجون، ۲۰۰۸). به عبارتی، توافق کلی وجود دارد که حوزه روابط صمیمی در معرض تحول قرار گرفته است که به موجب آن رهایی جنسی از تحریم‌های اجتماعی سابق، نقش‌های جنسیتی و روابط متعارف، موجود را آزاد کرده و افراد را از مقررات سنتی جنسیتی و

جنسی آزاد کرده است (روتی او ریلی، ۲۰۱۲). به طوری که سنت‌زدایی، از بین بردن مقررات جنسیتی و بی‌ثبات‌سازی پایگاه‌های سنتی هویت، مانند جنسیت و تمایلات جنسیتی، میزان بی‌سابقه‌ای از آزادی را برای اعمال انتخاب فردی در شیوه‌های روابط و تعاملات فراهم کرده است (بودجون، ۲۰۰؛ بکر و چارلز، ۲۰۰۶؛ روزنیل، ۲۰۰۷؛ گیدنز، ۱۹۹۲). به نظر می‌رسد یافته‌های این پژوهش به نظریه‌های جامعه‌شناسانی که این سبک زندگی را در راستای دموکراتیک شدن روابط خصوصی و گسترده‌ی انتخاب و آزادی فردی بدون آسیب به دیگران و تعاملات صمیمی می‌دانند نزدیک‌تر است.

علی‌آبادی (۱۳۹۴) و پاپی‌نژاد (۱۳۹۱) در مطالعه خود نشان دادند مجموعه عوامل تعیین‌های خانوادگی، تفکرات نوگرا در بین دختران و در نتیجه استقلال و خودمختاری رفتاری دختران، روابط با جنس مخالف، شکاف نسلی و کشمکش‌های بین نسل جوان و گذشته، استفاده از رسانه‌های جمعی موجب ظهور تک‌زیستی در بین دختران شده است. در این پژوهش علل و زمینه‌های شکل دهنده به تنه‌زیستی در سه دسته جای داده شدند که از آن میان دو عامل مربوط به خانواده است: عامل تحصیلات، شرایط زیست در کنار خانواده برای دختران ازدواج نکرده، رخدادهای نابهنگام چون ازدواج مجدد پدر یا مادر در اثر طلاق یا فوت می‌باشد. در مجموع از عوامل مهم دیگر می‌توان به مهاجرت و اشتغال نیز اشاره کرد. اما همه آنها حول محور خانواده معنا شده‌اند. بسیاری از عواملی که در تحقیقات پیشین نیز ذکر شده‌اند صرفاً امکان جدایی را برای این دختران تسهیل کرده‌اند؛ اما علت اصلی در این مقاله حول محور خانواده تعریف شده است.

شارپ و گانونگ^۱ (۲۰۱۱) نیز در تحقیق خود بر مقوله خانواده تأکید کرده بودند. به نظر آنان، زنان مجرد برای در امان ماندن از فشارهای خانوادگی و اطرافیان خود گرایش به تغییر محل زندگی خود و دوری از خانواده‌شان دارند.

مصاحبه‌شوندگان این مقاله تنه‌زیستی را به عنوان سبکی از زندگی دلخواه خود برگزیده‌اند. آنچه زنان تنه‌زیست را به این سبک از زندگی علاقمند می‌کند با عاریت گرفتن مفاهیمی از ویرجینیا ولف^۲ چیزی نیست جز داشتن خانه‌ای از آن خود. اینکه دخترانی بخواهند نه در کنار خانواده خود باشند نه ازدواج کنند؛ بدین معناست که می‌خواهند تنها زندگی کنند اما نباید این تنه‌زیستی به معنای جدایی از جامعه و انزوا درک شود. چرا که همه این دختران تعاملات خود

۱. Sharp & Ganong

۲. کتاب اتاکی از آن خود، مقاله‌ای بلند و تأثیرگذار نوشته ویرجینیا وولف است. این مقاله که برای اولین بار در ۲۴ اکتبر ۱۹۲۹ به صورت یک کتاب منتشر شد، بر اساس سخنرانی‌های ویرجینیا وولف در کالج‌های زنانه نیوهم و گریتون در دانشگاه کمبریج شکل گرفته است.

را حفظ کرده بودند و حتی پیوندهای خود را با خانواده از بین نبرده بودند. یافته‌های جواهری و ستوده (۱۳۹۵) نیز بر حفظ پیوندهای خانوادگی در عین تنه‌زیستی تأکید داشته‌اند. موضوعی که این مقاله را با داده‌های مقاله‌های پیشین متفاوت می‌سازد این است که در سبک «تنه‌زیستان اجباری» نوعی خصومت پنهان میان فرد و خانواده شکل می‌گیرد و در بسیاری اوقات فرد تنه‌زیست از شریط خود راضی نیست.

اما دختران تنه‌زیستی که از روی اختیار این سبک را برگزیده‌اند در پی ساختن خانه‌ای از آن خود هستند به همین دلیل جملاتی که این دختران با آن وضعیت خود را شرح داده‌اند مانند: «داشتن زندگی شخصی برای خود»، «برای این که خودت باشی»، «هرکاری که دلم خواست بکنم»، «راحت باشم»، «مهارت‌هایی را یاد بگیریم که با ازدواج یا در کنار خانواده ممکن نیست»، «فرار از برچسب‌زنی و کاهش نگرش منفی اطرافیان به دلیل عدم ازدواج»، «رها شدن از چارچوب‌های سخت خانوادگی» ما را بدین نتیجه می‌رساند که خانه جدید فرصت نوینی برای رهایی در زندگی آنان پدید می‌آورد. دختران در دهه‌های گذشته این رهایی را با ازدواج تخیل می‌کردند. اما امروزه تخیل ساختن خانه‌ای از آن خود صرفاً با ازدواج پیوند نخورده است بلکه تنه‌زیستی به عنوان راهی متفاوت برای رهایی و از آن خود بودن مطرح شده است. در این سبک «مجرد بودن» نه به عنوان «ناقص بودن» بلکه به واسطه تنه‌زیستی به مثابه شکلی از زندگی تلقی می‌شود که کمتر مورد پرسش قرار گیرد و در کنار اشکال دیگر زیستن موقعیت‌هایی جدید را برای بهزیستی این دختران فراهم سازد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعد، محمد حسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر. (۱۳۹۱)، «همبازی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، دو فصلنامه جامعه پژوهشی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول: صص ۴۳-۷۷.
- پاپی‌نژاد، شهربانو، کرمی قهی محمدتقی، (۱۳۹۱)، «زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی تک زیستی دختران مجرد در کلان شهر تهران» دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان.

- جواهری فاطمه، هلالی ستوده، مینا؛ (۱۳۹۵)، «تمایل به زندگی مجردی». مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور. جلد دوم: صص ۱۷۱-۲۱۱
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده، سادات هاشمی، سید مهدی، (۱۳۹۰). «عوامل موثر در بارداری ناخواسته در تهران». حکیم، دوره ۵، شماره ۳: صص ۲۰۱-۲۰۷
- علی‌آبادی عذرا، سراج‌زاده حسین، (۱۳۹۵)، «مطالعه پدیده تک زیستی در نمونه‌ای از دختران شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، رشته جامعه‌شناسی.
- پروین ستار، فعله‌گری زینب. (۱۳۹۶). «تجربه زیسته دختران از تاخیر در ازدواج و راهکارهای مواجهه با آن (مورد مطالعه شهر کرج)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- گودرزی، محسن و عباس عبدی (۱۳۷۸). «تحولات فرهنگی در ایران». تهران: روش.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۶). «وضعیت توسعه انسانی در ایران»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- مدرسی یزدی فائزه السادات، فرهمند مهناز، افشانی سید علیرضا، (۱۳۹۶)، «بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر آن (مطالعه دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر یزد)»، مسائل اجتماعی ایران: بهار و تابستان ۱۳۹۶، سال هشتم - شماره ۱. صص ۱۲۱-۱۴۴

- Alberta S. J. van der Watt .(2015), "Women's Experience of Being Single" , South Africa:Stellenbosch University
- Bauman (2003), "Liquid Love", Cambridge: Polity Press.
- Becker, B. and Charles, N (2006), 'Layered Meanings: The Construction Of the Family In the Interview', Community, Work and Family, Vol. 9, No. 2, : 101-122.
- Beck, U. and Beck-Gernsheim, E., (1995), "Normal Chaos of Love", Cambridge: Polity Press.
- Budgeon, S. (2008), "Couple Culture and The Production of Singleness", Sexualities, Vol. 11, No. 3: 301-325
- Carr . D.(2007), "Social and Emotional Well-Being of Single Women in Contemporary America". American:Rutgers University Press.
- Crompton. S,(1994), "Adults living Solo", Perspectives on Labour and Income, Vol. 6, No. 4: 1-9
- Dalton . S.(2016), "Lived Experience of Never-Married Women", America University of California, San Diego.

- Giddens, A. (1992), "The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love, and Eroticism in Modern Societies", Stanford: Stanford University Press.
- Jamieson, L., Backett Milburn, K., Simpson, R. and Wasoff, F (2019), "Fertility and Social Change: The Neglected Contribution of Men's Approaches to Becoming. Partners and Parents", *The Sociological Review*, Vol. 58, No. 3: 463-485.
- Jones, A. C. (2004) , "Transforming the story: Narrative Applications to a Stepmother Support Group". *Families in Society*, Vol.85, No.2: 129-139.
- Putnam, R.D., 2000, *Bowling Alone*, New York: Simon and Schuster Paperbacks.
- Langdrige, D. (2007) , *Phenomenological psychology: Theory, research and methods*. London: Pearson.
- Retnaningsih Indonesian . U. (2013). *Educated Unmarried Career Women: Gender Inequality, Discrimination, and Prejudices*. The Ohio State University, USA
- Roseneil, S.(2007), "Queer Individualization: The Transformation of Personal Life in the Early 21st century", *Nordic Journal of Feminist and Gender Research*, Vol. 15, No. 2: 84-99.
- Sandra T. Dalton (2009) , *Lived Experience of Never-Married Women*.
- Sharp and Ganong L.(2011) , *I'm a Loser, I'm Not Married, Let's Just All Look at Me": Ever-Single Women's Perceptions of their Social Environment*. *Journal of Family Issues*. 956-980
- Shelley Budgeon (2016),"The 'Problem' with Single Women: Choice, Accountability and Social Change, *Journal of Social and Personal Relationships*". 2016, Vol. 33, No. 3: 401-418.
- Spiegelberg, H. (1982), *The Phenomenological Movement*, London: Martinus Nijhoff.
- Solo Living in the Neoliberal Era: Negotiating Ambivalence and Recuperation"*
- Van Manen. (1990), "Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy". London, Ontario, Canada: The University of Western Ontario.
- Vanderstoep, S.W. and Johnston, D.D. (2009), *Research Methods for Everyday Life Blending Qualitative and Quantitative Approaches*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Wei-Jun Jean Yeung . Adam Ka-Lok Cheung (2015) , *Living Alone: One-Person Households in Asia*, Vol. 32: 1099-1112 .

